

بررسی مفهوم تورسم افترا در حقوق بین الملل خصوصی

رضا مقصودی پاشاکی⁻

فرشید خسروی⁻

DOI: <https://doi.org/10.22096/law.2024.2025377.2202>

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹]

چکیده

تعارض قوانین مادی یا ماهوی کشورها در قلمرو مسئولیت مدنی و همچنین تعارض قواعد صلاحیت بین المللی (تعارض دادگاهها) در بین کشورهای مختلف، موجب ایجاد پدیده‌ای به نام تورسم افترا شده است. تورسم افترا نوعی از سوءاستفاده از حق انتخاب دادگاه در زمینه افترای فرامرزی است که به موجب آن، خواهان در دادگاه کشوری که انتظار دارد مطلوب‌ترین نتیجه را به دست آورد، اقدام به طرح دعوا می‌نماید. تورسم افترا نتیجه تلاقی بین دو ارزش ظاهراً متعارض، یعنی آزادی بیان و رعایت حقوق مربوط به شخصیت و حریم خصوصی در بین نظام‌های حقوقی مختلف است. حقوق انگلیس و حقوق ایالات متحده آمریکا، علی‌رغم اشتراک حقوقی فراوان، در این خصوص از قواعد متفاوتی پیروی کرده‌اند و همین نکته موجب جابه‌جایی محل دادخواهی در انبوهی از دعاوی، از یک کشور به کشور دیگر شده است. در دعوی افترا که میدان اصلی نبرد بین حقوق مربوط به حریم خصوصی و آزادی بیان است، انگلستان به‌عنوان مطلوب‌ترین کشور جهت اقامه دعوا توسط خواهان قلمداد شده و حتی پایتخت افترای جهان لقب گرفته است. آنچه که این پدیده را مضموم می‌سازد، تلاش خواهان برای سوءاستفاده از تشکیلات بین قوانین داخلی کشورها برای انتخاب دادگاه مطلوب جهت رسیدگی به دعوا و نیز اعمال قانون ماهوی مساعد جهت پیروزی در دعوا است. در این پژوهش، ضمن بررسی تمایز تورسم افترا و فروم شایینگ، دلایل ایجاد این پدیده و راهکارهای مقابله با آن در حقوق کشورهای انگلیس، ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا، با نگاهی به حقوق ایران مورد تحلیل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: تورسم افترا؛ فروم شایینگ؛ اتحادیه اروپا؛ انگلیس؛ ایالات متحده آمریکا.



۱. مقدمه

در بین تمامی ملت‌ها عقیده به آزادی بیان وجود دارد. همچنین این اعتقاد وجود دارد که افراد باید از افترا محافظت شوند. افترا^۱ را می‌توان نسبت دادن امری خلاف واقع، به یک فرد یا نهاد تعریف نمود که موجب آسیب به اعتبار و شهرت او در نظر اعضای متعارف جامعه می‌شود. افترا می‌تواند به اشکال مختلف (کتبی، شفاهی و آنلاین) واقع شود.^۲ در حقوق انگلیس، برخلاف حقوق آمریکا، افترا را به افترای کتبی (پایدار)^۳ و افترای شفاهی (ناپایدار)^۴ تقسیم می‌نمایند که تفاوت بین آن‌ها صرفاً در شیوه ارتکاب نیست، بلکه افترای کتبی (Libel) به نحو مطلق و قطع نظر از نتیجه، به عنوان یک خطای مدنی در نظر گرفته می‌شود، اما افترای شفاهی (Slander) اصولاً بدون اثبات خسارت خاص، موجب مسئولیت نمی‌باشد مگر در دو حالت؛ حالت نخست در مواردی که موضوع افترا، نسبت دادن یک جنایت جدی به مخاطب باشد. حالت دوم موردی که موضوع افترا، نسبت دادن اتهام زنا و بی‌عفتی به مخاطب خانم باشد.^۵ قانون مدنی ایران تعریفی از افترا ارائه نکرده است، لیکن با توجه به نص صریح مواد ۱ و ۸ قانون مسئولیت مدنی، صدمه به حیثیت و شهرت موجب مسئولیت بوده و می‌بایست جبران گردد. منظور از حقوق مربوط به شخصیت^۶ نیز حقوقی است که به طور مستقیم، ریشه در طبیعت و کرامت ذاتی انسان دارد، مانند حق داشتن احترام، حق تصویر و حق حریم خصوصی.^۷ بین این دو ارزش (آزادی بیان و حقوق مربوط به شخصیت)، تعارض وجود دارد و قانون‌گذاران کشورها برای ایجاد تعادل عادلانه بین ارزش‌های مذکور تلاش می‌نمایند. در برخی از کشورها، تعادل به سمت آزادی بیان است،^۸ اما انگلستان یکی از

1. Defamation.

2. Daxton R. Stewart, *Social Media and the Law: A Guidebook for Communication Students and Professionals* (New York: Routledge, 2022), 27-28; Elizabeth a Martin, *Oxford Dictionary of Law Oxford* (England: Oxford University Press, 2011), 159.

3. Libel.

4. Slander.

5. Cees. Van dam, *European Tort Law*, 2nd edition (United Kingdom: Oxford University Press, 2013), 114;

مرضیه شرقی و پرویز عامری، «مسئولیت مدنی ناشی از افترا در نظام حقوقی کامن‌لا با رویکرد تطبیقی در حقوق ایران»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی ۲۳ (تابستان ۱۳۹۸): ۶۲-۶۳.

6. Personality rights.

7. Javier Carrascosa González, *The Internet: Privacy and Rights Relating to Personality* (Netherlands: Martinus Nijhoff, 2016): 308-312.

8. Trevor C Hartley, "libel tourism" and conflict of laws," *International and Comparative Law Quarterly* 59, no. 1 (January 2010): 25. <https://doi.org/10.1017/S0020589309990029>.

بررسی مفهوم تورسم افترا در حقوق بین الملل خصوصی / مقصودی پاشاکی و خسروی ۱۵۷

کشورهایی است که حسب قوانین مادی، قواعد تعارض صلاحیت‌ها و قواعد تعارض قوانین، مورد علاقه خواهان دعوای افترا است،^۹ به‌طوری که به‌زعم خواهان، حفاظت از حریم خصوصی و حقوق مربوط به شخصیت در این کشور بیشتر از دغدغه آزادی بیان مورد توجه نظام حقوقی قرار می‌گیرد.

تلاش خواهان برای یافتن دادگاه مناسب و قانون مساعد در دعوای افترا، در ادبیات حقوق بین الملل خصوصی، به‌عنوان تورسم افترا^{۱۰} شناخته می‌شود. در برخی منابع فارسی، به‌جای عبارت تورسم افترا، از اصطلاح «تورسم هتک حیثیت» نیز استفاده شده است.^{۱۱} این هر دو اصطلاح معنا و مفهوم یکسانی دارد، اما با توجه به عمومیت کلمه افترا که منحصر به دعوای کیفری نبوده و در حقوق مسئولیت مدنی هم به کار می‌رود و همچنین با توجه به اینکه هتک حیثیت جزو آثار و نتایج افترا، یعنی انتساب عمل غیرقانونی به مخاطب محسوب می‌شود، در این مقاله از «تورسم افترا» برای بازشناسی و تحلیل این مفهوم استفاده شده است.

تورسم افترا مصداقی از مفهوم فروم شاپینگ^{۱۲} است که مترادف با سوء استفاده از حق در حقوق بین الملل خصوصی می‌باشد.^{۱۳} فروم شاپینگ عبارت است از انتخاب یک دادگاه توسط خواهان که با توجه به نیازهای او، به دلیل منافع بازرگانی، حقوقی یا شخصی، در موقعیت بهتری قرار دارد.^{۱۴} فروم شاپینگ فی‌نفسه دارای بار منفی است، اما باید گفت خواهان، مانند هر انسان عاقل دیگری و به‌طور طبیعی، دادگاهی را انتخاب می‌کند که به‌زعم وی دعوا در آن دادگاه به‌طور مناسب‌تری رسیدگی می‌شود. ممکن است خواهان برای اجتناب از مشکلات ترجمه در مسائل حقوقی، به اقامه دعوا در کشور معین بپردازد و از

9. Thomas Sanchez, "London, Libel Capital No Longer? The Draft Defamation Act 2011 and the Future of Libel Tourism," *University of New Hampshire Law Review* 9, no. 3 (2011): 470.

10. Libel tourism.

۱۱. صفایی معافی، سید حسین، رضا مقصودی، و رضا دریایی، «ارائه قاعده صلاحیت بین‌المللی مطلوب برای جلوگیری از پدیده «تورسم هتک حیثیت» با مطالعه تطبیقی حقوق ایران و انگلستان»، پژوهشنامه حقوق تطبیقی، آماده انتشار.

12. Forum shopping.

13. Dan Jerker B. Svantesson, *Private International Law and the Internet* (Netherlands: Kluwer Law International, 2016), 115; Frank Vische, "General Course on Private International Law," *In Collected Courses of the Hague Academy of International Law* 232 (1993): 224-228.

14. Christopher A. Whytock, "The Evolving Forum Shopping System," *Cornell Law Review* 96 (10 March 2011): 485;

رضا مقصودی، «سوء استفاده از حق در حقوق بین‌الملل خصوصی»، پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۱۲ (مهر ۱۳۹۴): ۹۰.

مشکلات زبان خارجی پرهیز نماید؛ یا اینکه به اعتقاد او، قضات یک دادگاه خاص در آن نوع دعوا تجربه بیشتری دارند؛ یا اینکه دادرسی در آنجا با سرعت بیشتری انجام می‌گیرد. بنابراین خواهان همیشه برای طرح دعوا در یکی از دو مرجع رسیدگی، یقیناً مصالح و منافع خود را در نظر می‌گیرد. صرف چنین عملی مذموم نیست و این صلاحدید و مصلحت‌سنجی در جایی سوء استفاده محسوب می‌شود که موجب ایزاء طرف مقابل شود و حقوق دفاعی وی را نقض نماید، یا اینکه منافع قابل توجهی برای خواهان و به زیان خوانده ایجاد کند.^{۱۵} در تورسم افترا، با عنایت به ارتباط ضعیف بین دعوا و طرفین آن با مقرر دادگاه رسیدگی‌کننده، گردشگر افترا با هدف ایزاء خوانده اقدام به طرح دعوا می‌نماید. فلذا برخلاف فروم شاپینگ که در مواردی انتخاب خواهان از حیث ارتباط بین دادگاه منتخب با دعوا و طرفین آن متعارف است، تورسم افترا، به‌نحو مطلق، با سوء استفاده خواهان در گزینش دادگاه صلاحیت‌دار همراه است.

تورسم افترا از ماهیت ناقص سیستم‌های حقوقی نشئت می‌گیرد. مادام‌که دنیا به کشورهای مختلف با منافع متضاد و سیستم‌های حقوقی متفاوت تقسیم می‌شود، مسئله انتخاب دادگاه صلاحیت‌دار می‌تواند مسئله مرگ و زندگی باشد و تأثیر قاطعی بر نتیجه دعوا داشته باشد.^{۱۶} توسعه ابزارهای ارتباطی و حمل‌ونقل، مرزهای جغرافیایی را کاهش داده است. این وضعیت علاوه بر تسهیل ارتباطات، زمینه را برای آسان شدن نقض حقوق شخصیت فراهم کرده است. ویژگی‌های متفاوت اینترنت نسبت به رسانه‌های سنتی، مسائل مختلفی را در حوزه حقوق بین‌الملل خصوصی ایجاد نموده است. به‌عنوان مثال، یک اظهار در فضای اینترنتی، مستقل از مرزهای جغرافیایی در هر جایی قرار دارد. بنابراین محتوایی که حقوق شخصیت یک فرد را نقض می‌کند، در هر مکانی که دسترسی به اینترنت وجود داشته باشد، قابل مشاهده است و تعیین محل خاص یک نقض در فضای اینترنت بسیار دشوار است. این وضعیت می‌تواند منجر به امکان طرح شکایت در چندین حوزه دادرسی درمورد نقض حقوق شخصیت شود.^{۱۷} درواقع، به دلیل قابل دسترس بودن محتوا در سراسر جهان، هر دادگاهی در جهان می‌تواند به‌عنوان دادگاه مربوط به دعوای موردنظر یا طرفین موردنظر شناخته شود و این امر تورسم افترا را تشدید نموده است.

۱۵. مقصودی، «سوء استفاده از حق در حقوق بین‌الملل خصوصی»، ۹۰.

۱۶. مقصودی، «سوء استفاده از حق در حقوق بین‌الملل خصوصی»، ۹۳.

17. Škerl Jerca Kramberger, "Jurisdiction in On-Line Defamation and Violations of Privacy: In Search of a Right Balance," *LeXonomica* 9, no. 2 (2017): 88.

هدف نگارندگان در اين پژوهش، در وهله اول، مفهوم شناسي توريسم افترا و تفاوت آن با فروم شاپينگ و در وهله دوم، بررسي تلاش هاي تقنيني و رويه قضايي كشورهاي انگليس، اتحاديۀ اروپا و آمريكا درخصوص جلوگيري از گسترش اين پديده است. اين تحقيق به دنبال پاسخگويي به اين سؤالات است: توريسم افترا و دلایل ایجاد آن چیست؟ چه تفاوتی بین حقوق انگليس و آمريكا در دعوای افترا وجود دارد؟ قوانين اتحاديۀ اروپا درخصوص دعوای افترا چه وضعيتی را نشان می دهد؟ وضعيت حقوق ايران در اين خصوص چگونه است؟

تحقيق نشان می دهد كه توريسم افترا مصداقي خاص از سوءاستفاده خواهان از حق انتخاب دادگاه در دعوای افتراي فرامرزي است كه از ماهيت ناقص سيستم هاي حقوقی نشئت می گيرد. در تضاد ظاهري بين آزادي بيان و حقوق مربوط به شخصيت، در نظام حقوق انگليس برخلاف حقوق آمريكا، اولويت با حقوق مربوط به شخصيت است و علی رغم تصويب قانون افترا ۲۰۱۳،^{۱۸} بنابه قواعد ماهوي و حل تعارض مناسب برای خواهان افترا، همچنان به عنوان كشوري محبوب برای طرح دعوای افترا در جهان محسوب می شود. در مقررات اتحاديۀ اروپا، به دليل اختلاف بين كشورها، قاعده حل تعارض درمورد دعوای افترا پيش بينی نگردیده است. در حقوق ايران، با توجه به ماده ۱۱ قانون آيين دادرسي مدني، می توان گفت توريسم افترا امكان وقوع دارد. از حيث پيشينه، با بررسي هاي صورت گرفته، در هيچ يك از منابع حقوق داخلی، به اين موضوع اشاره نشده است و پژوهش حاضر نخستين اثر در اين زمينه می باشد.

۲. مفهوم توريسم افترا و تفاوت آن با فروم شاپينگ

توريسم افترا به وضعيتی مربوط می شود كه خواهان، دعوای افترا را به دليل منافع مطلوبي كه قوانين ماهوي و شكلي كشوري (معمولاً انگليس) به وی ارائه می دهد، جهت طرح دعوای انتخاب می نمايد كه ارتباط دعوای طرفين افترا با آن كشور نسبت به كشورهاي ديگر ناچيز است. در تعريف ديگر بيان شده است كه توريسم افترا به فروم شاپينگ در عرصۀ بين المللی و در دادگاه هاي بين المللی اشاره دارد كه در آن «گردشگر افترا» در دادگاهی كه قوانين موردنظر خواهان را دارد، اقدام به طرح دعوای افترا می نمايد.^{۱۹} در تعريف كارگروه افترا^{۲۰} كه توسط

18. Defamation act 2013.

19. Robert L. McFarland, "Please Do Not Publish this Article in England: A Jurisdictional Response to Libel Tourism," *Mississippi Law Journal*, Forthcoming 79 (2009): 8.

20. Libel working group established, by the United Kingdom Ministry of Justice.

وزارت دادگستری بریتانیا تأسیس شده است، تورسیم افترا دعوایی است که در آن، غیرمقامی علیه یک غیرمقیم دیگر در انگلستان مطرح می‌نماید.^{۲۱} ازسوی دیگر، در دعوای معروف Ehrenfeld v. Bin Mahfouz که شرح آن در سطور بعدی بیان خواهد شد، ارنفلد (Ehrenfeld) (خواننده دعوای افترا) تورسیم افترا را استفاده از احکام افتراپی تعریف نموده است که به‌منظور بی‌اثر نمودن آزادی بیان در ایالات متحده، در حوزه‌های قضایی دوستدار خواهان و دارای ارتباط ضعیف یا فاقد هرگونه ارتباط با نویسنده یا مطالب افتراآمیز صادر می‌شود. برخی از محققان آمریکایی نیز تورسیم افترا را چنین تعریف نموده‌اند.^{۲۲}

حمایت‌های ارائه‌شده برای خواهان افترا ازسوی دادگاه‌های انگلیسی به حدی است که برخی لندن را «پایتخت افترای جهان» نامیده‌اند.^{۲۳} دعاوی مربوط به تورسیم افترا یک دعوای رایج در دادگاه‌های انگلستان است^{۲۴} و به‌عنوان مانعی برای آزادی بیان و مطبوعات نیز از آن یاد می‌شود.^{۲۵}

حفظ آزادی بیان و حقوق شخصیت، دو ارزش در سیستم‌های حقوقی است که در تضاد با یکدیگر قرار دارند، زیرا امکان حفظ هم‌زمان دو ارزش در سیستم‌های حقوقی وجود ندارد و بنابراین باید بین این ارزش‌ها انتخاب شود. این تضاد بین حقوق شخصیت و آزادی بیان، علت اصلی تورسیم افترا است. درواقع، در بیشتر مواقع، طرف مقابل گردشگر افترا نویسنده یا ناشری است که در آمریکا زندگی می‌کند و خواهان با اقامه دعوا در کشورهایی که بین آزادی بیان و حقوق شخصیت، اولویت را حقوق شخصیت می‌دانند، سعی دارد آزادی بیانی که قانون اساسی آمریکا برای نویسنده یا ناشر فراهم نموده است بی‌اثر نماید. درخصوص اینکه عبارت «تورسیم افترا» برای اولین بار در چه زمانی و توسط چه شخصی استفاده شده است، اختلاف وجود دارد. برخی معتقدند که اولین بار در سال ۱۹۹۰ میلادی و در دعوای ستاره هالیوود،

21. David Rolph, "Splendid Isolation: Australia as a Destination for Libel Tourism," *Australian International Law Journal* 19 (January 2012): 80.

22. Doug Rendleman, "Collecting A Libel Tourist's Defamation Judgment," *Washington and Lee Law Review* 67 (2010): 468; E. Klazmer, "The uncertainties of libel tourism, is diplomacy the answer?" *Entertainment Law Review* 23, no. 6 (2012): 164.

23. Olga Bogdańska, "Libel tourism in the context of press freedom," *Annales Universitatis Mariae Curie-Skłodowska, sectio K-Politologia* 22, no. 1 (2016): 195.

24. Axel Nilsson, "Personality rights, defamation and the internet," *Considerations of private international law* (2017): 49.

25. Bogdańska, "Libel tourism," 198.

آرنولد شوارتزنگر، علیه نویسنده آمریکایی، وندی لی^{۲۶}، به دلیل نوشتن زندگی‌نامه خلاف واقع استفاده گردیده است.^{۲۷} برخی دیگر بر این نظر می‌باشند که عبارت مذکور، برای اولین بار، توسط جفری رونالد رابرتسون^{۲۸}، وکیل و پژوهشگر حقوق بشر ابداع شده است.^{۲۹} عده‌ای دیگر، بر این عقیده هستند که عبارت «توریسم افترا» برای اولین بار، در حکم دادگاه تجدیدنظر نیویورک در دعوی Ehrenfeld v. Bin Mahfouz، در سال ۲۰۰۷ مطرح شد. با عنایت به اینکه بعد از دعوی مذکور، موضوع توریسم افترا موجب طرح مباحث مختلفی در حقوق انگلیس و آمریکا گردید، بررسی این تصمیم دادگاه می‌تواند مفید باشد. کتاب «تأمین شر: چگونه توریسم تأمین می‌شود و چگونه متوقف می‌شود؟» توسط ارنفلد، نویسنده آمریکایی، نوشته شد. در این کتاب ادعا شده بود که خالد سلیم بن محفوظ^{۳۰}، یک تاجر سعودی، از القاعده و گروه‌های تروریستی دیگر حمایت مالی می‌نماید. این کتاب در آمریکا و توسط یک ناشر مستقر در شیکاگو منتشر و تنها بیست و سه نسخه از آن، به صورت اینترنتی، در انگلستان فروخته شده بود و یک بخش از کتاب، در وبسایت ABC News در انگلستان قابل دسترس بود. محفوظ با ادعای نقض حقوق شخصیتی، در انگلستان پرونده را علیه ارنفلد طرح نمود. متهم، ارنفلد، به دلیل هزینه‌های دادرسی دعوا در انگلستان، موانع روشن قانونی مربوط به طرح پرونده در حقوق انگلیس و طرح دعوا در دادگاهی که ارتباط مستقیمی به دعوا ندارد و برخلاف آزادی بیان او در آمریکا می‌باشد، در دادگاه شرکت نکرد. بنابراین دادگاه انگلیسی به طور غیابی رسیدگی نمود و ارنفلد و ناشر کتاب را به پرداخت خسارت و عذرخواهی محکوم کرد.^{۳۱}

درخصوص وحدت یا تعدد توریسم افترا و فروم شاپینگ، می‌توان گفت آثار و نتایج توریسم افترا غالباً همان نتایج فروم شاپینگ است، اما توریسم افترا از برخی جهات با فروم شاپینگ متفاوت است.^{۳۲} اولاً، گردشگری افترا در عصر جهانی اینترنت ظاهر می‌شود، این فناوری به

26. Schwarzenegger vWendee Lee case.

27. Bogdańska, "Libel tourism," 195.

28. Geoffrey ronald robertson.

29. Michelle Smith de Bruin, "IGNITY KNOWS NO BOUNDS –TRANSNATIONAL DEFAMATION ACTIONS," *IRISH JUDICIAL STUDIES JOURNAL* 6, no. 2 (2022): 14.

30. Khalid Salim Bin Mahfouz

31. Peter Arnt Nielsen, "Choice of Law for Defamation, Privacy Rights and Freedom of Speech," *Oslo Law Review* 6, no. 1 (May 2019): 32-42.

32. Mc Farland, "Please Do Not Publis," 12; Carrascosa González, *The Internet: Privacy and Rights Relating to Personality*, 286.

«گردشگر افترا» امکان انتخاب هر دادگاهی در جهان را می‌دهد، زیرا تقریباً تمام محتوایی که در اینترنت قرار داده شده است در هر نقطه از جهان موجود است. این به نوبه خود، دادگاه‌های هر کشوری را قادر می‌سازد که صلاحیت بین‌المللی خود را مطابق با قاعده محل وقوع افترا^{۳۳} به رسمیت بشناسند، اما در فروم شاپینگ، حق انتخاب خواهان و تعدد دادگاه‌های موازی صلاحیت‌دار محدود است. ثانیاً، دومین و شاید مهم‌ترین ویژگی متمایزکننده، این واقعیت است که تورسیم افترا، حاکی از تضاد بین‌المللی در مورد دامنه آزادی بیان در عصر ارتباطات جهانی است. در این راستا، می‌توان گفت یک شهروند آمریکایی می‌تواند با توجه به تضمین حق آزادی بیان در متمم اول قانون اساسی آمریکا، اظهاراتی را منتشر نماید، اما با توجه به اینکه در برخی کشورها نظیر انگلستان حقوق حریم خصوصی و شهرت بر حق آزادی بیان ارجحیت دارد، در صورت اقامه دعوا در دادگاه کشورهای اخیر، شهروند آمریکایی از حقوقی که توسط قانون اساسی تضمین شده است محروم خواهد شد.^{۳۴} در فروم شاپینگ تعدد دادگاه‌های صلاحیت‌دار حاکی از تضاد بین ارزش‌های مذکور نیست و ناشی از حاکمیت اراده طرفین یا موقعیت جغرافیایی طرفین دعوا می‌باشد.

بنابراین می‌توان گفت، درحالی که فروم شاپینگ می‌تواند شامل دعاوی با موضوعات مختلف شود، اما تورسیم افترا منحصر به دعاوی افترای فراملی است. ازسوی دیگر، برخلاف فروم شاپینگ که می‌تواند حسب مورد، با توجه به دعوا و عامل ارتباط، جنبه مثبت و منفی داشته باشد، در تورسیم افترا جنبه منفی غلبه دارد و گردشگر افترا بیشتر به دنبال ایداء خوانده و نقض حقوق دفاعی وی می‌باشد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت تورسیم افترا مصداقی خاص از سوءاستفاده خواهان از حق انتخاب دادگاه (Forum shopping) است که در دسته ارتباط مسئولیت مدنی واقع می‌شود و با هدف کسب منافع صورت می‌گیرد که در دادگاه اصولاً صلاحیت‌دار قابلیت مطالبه ندارد.

۳. دلایل بروز تورسیم افترا

با توجه به اینکه بررسی علت وجودی هر چیز در شناساسی و نقد آن مؤثر است، در این بخش، علت شکل‌گیری پدیده تورسیم افترا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

33. Lex loci delicti commissi.

34. González, "The Internet – Privacy," 287.

۱-۳. اعمال معیارهای گسترده برای صلاحیت بین المللی

تورسم افترا امکان پذیر است، زیرا برخی کشورها از معیارهای بسیار سخاوتمندانه‌ای در تعیین صلاحیت بین المللی برای دادگاه‌های خویش، درخصوص شاکیان خارجی که محل سکونت آنها در یک کشور دیگر است، استفاده می‌نمایند. یک نمونه از این موارد، بخش ۹ قانون افترای انگلستان ۲۰۱۳ است که نشان می‌دهد درمورد دعاوی افترا علیه فردی که در هیچ‌یک از حوزه‌های قضایی بریتانیا، یا در یک کشور عضو اتحادیه اروپا و یا در یک کشور طرف قرارداد کنوانسیون لوگانو مقیم نمی‌باشد، دادگاه‌های انگلستان در صورتی دارای صلاحیت قضایی بین المللی هستند که تشخیص دهند میان کشورهایی که افترا در آنها انتشار یافته است، انگلیس به‌وضوح مناسب‌ترین مکان برای رسیدگی باشد.^{۳۵} معمولاً دادگاه‌های انگلیس با تفسیر موسع از قواعد صلاحیت، اعمال صلاحیت می‌نمایند. آن‌ها بر این عقیده هستند که شاکی برای محافظت در انگلستان شهرت دارد و به همین دلیل است که او اقدام قانونی را در انگلستان آغاز می‌کند.^{۳۶}

ازسوی دیگر، اگرچه در اختلافات ناشی از وقایع حقوقی، «محلی که آسیب رخ داده است یا ممکن است رخ دهد» عمدتاً به‌عنوان قاعده حل تعارض در دسته ارتباط مسئولیت مدنی پذیرفته شده است، اما با توجه به اینکه در جهان امروز، محتوا در فضای اینترنت و مستقل از مرزهای جغرافیایی است، تعیین محلی خاص برای این محتوا مشکل و پیچیده است. درواقع، فراهم بودن دسترسی جهانی به یک محتوا، منجر به تأسیس آسان صلاحیت بین المللی دادگاه‌ها توسط کشورها می‌شود.^{۳۷}

برای مقابله با موضوع صلاحیت دادگاه‌های انگلیس در رسیدگی به دعاوی تورسم افترا، اعمال معیار «دادگاه نامناسب» پیشنهاد شده است. استفاده از معیار سنتی دادگاه نامناسب

35. Action against a person not domiciled in the UK or a Member State etc: This section applies to an action for defamation against a person who is not domiciled—

(a) in the United Kingdom;

(b) in another Member State;

or (c) in a state which is for the time being a contracting party to the Lugano Convention...

36. Alex Mills, "The law applicable to cross-border defamation on social media: whose law governs free speech in 'Facebookistan'?" *The Journal of Media Law* 7, no. 1 (2015): 4.

37. Esra TEKİN, "LIBEL TOURISM IN PRIVATE INTERNATIONAL LAW," *Inonu University Law Review* 13, no. 2 (2022): 391; Kramberger, "Jurisdiction in On-Line Defamation," 88-89.

توسط قضات انگلیسی، می‌تواند اثرات اعمال این معیارها به صورت بسیار گسترده در حوزه قضایی بین‌المللی را کاهش دهد، اما دادگاه‌های بریتانیایی معمولاً موافق پذیرش محدودیت در این موارد نیستند. اشخاص نامداری مانند التون جان^{۳۸}، کامرون دیاز^{۳۹}، دیوید هاسلهوف^{۴۰}، کیت وینسلت^{۴۱} و جیسون داناوان^{۴۲}، برای ادعای خسارت به دلیل نقض حقوق شخصیتشان در دادگاه‌های انگلیس، اقدامات قانونی را به منظور افترا به عمل آورده‌اند.^{۴۳}

در دعوی کامرون دیاز، بازیگر آمریکایی، علیه شرکت رسانه‌های آمریکایی^{۴۴}، دیاز به‌خاطر گزارش در نشنال اینکوایر^{۴۵} که ادعای رابطه پنهانی او را مطرح نموده بود، شکایت کرد. نشنال اینکوایر هرگز در نسخه چاپی در بریتانیا منتشر نشد، اما نسخه آنلاین آن در سراسر اینترنت، در سراسر جهان و در نتیجه در انگلستان، قابل دسترسی بود. این برای دادگاه‌های انگلیسی کافی بود که صلاحیت بین‌المللی خود را در مورد این پرونده تأیید کنند.

۲-۳. یکسان نبودن قواعد حل تعارض و تمایل کشورها به اجرای قوانین ملی

یکی دیگر از علل توریسم افترا، فقدان قاعده واحد و مشترک در اعمال قانون مربوط به نقض حقوق شخصیت است. حتی در حقوق اتحادیه اروپا، به دلیل تفاوت ترجیحات کشورهای عضو در تضاد بین حقوق شخصیت و آزادی بیان، قاعده تعارض قوانین یکسان ایجاد نشده است. این موضوع به دلیل تفاوت در تعیین تعادل بین آزادی بیان و حقوق شخصیت در برخی کشورها، خارج از شمول مقرره روم دوم^{۴۶} در مورد قانون حاکم بر تعهدات غیرقراردادی قرار گرفته است. تفاوت ترجیحات کشورهای عضو در حفظ آزادی بیان و حقوق شخصیت به عنوان یک حق اساسی، جلوی ایجاد توافق در این زمینه را می‌گیرد. به همین دلیل، حتی در حوزه اتحادیه اروپا، هر کشور عضو قانون قابل اجرا را براساس قوانین حل تعارض خود تعیین می‌کند. بنابراین، قانون حاکم براساس دادگاهی که دعوا در آن ارائه شده است، متفاوت

38. Elton John.

39. Cameron Diaz.

40. David Hasselhoff.

41. Kate Winslet.

42. Jason Donovan.

43. González, "The Internet – Privacy," 287.

44. Cameron Diaz sued American Media Inc.

45. National Enquirer.

46. regulation (EC) No 864/2007 of the European Parliament and of the Council of 11 July 2007 on the law applicable to non-contractual obligations (Rome II) [2007] OJ L199/40.

خواهد بود. به‌ویژه در مواردی که دادگاه‌ها تمایل به اجرای قوانین ملی خود دارند، دسترسی جهانی به اینترنت می‌تواند موجبات سوءاستفاده خواهان برای اعمال قوانین مفید به حال خود را به وجود آورد. درواقع، پیامد پیش‌بینی قانون حاکم بر دعوا توسط خواهان در یک دادگاه، آن است که قانون قابل اجرا در آن دادگاه، برای وی نافع می‌باشد.

۳-۳. وجود قوانین مادی به نفع خواهان

تضاد بین آزادی بیان و حقوق شخصیت، سبب تفاوت بین قوانین مادی و حل تعارض حاکم بر افترا در نظام حقوقی کشورها شده است. تفاوت‌های ماهوی و آیین دادرسی بین نظام‌های حقوقی، مسائلی است که هنگامی که خواهان دعوای خود را مطرح می‌کند در نظر می‌گیرد. به‌عنوان مثال، در حقوق انگلیس، مقررات مربوط به بار اثبات به نفع خواهان است. به عبارت دیگر، در دادگاه‌های انگلیس، برخلاف اصل براءت، فرض بر آن است که هر اظهارنظر افتراآمیز نادرست است و بار اثبات صحت آن به‌عهده خواننده افترا است. طبق ضرب‌المثل انگلیسی قرن ۱۸، «هرچه حقیقت بزرگ‌تر باشد، افترا بزرگ‌تر است»؛^{۴۷} که هنوز هم به نظر می‌رسد مطابق با واقع باشد.

برخلاف حقوق انگلیس، در حقوق آمریکا، به‌علت لزوم حفاظت از حق آزادی بیان در سطح فدرال، مقررات تقریباً به ضرر خواننده دعوای افترا است. به همین دلیل، افرادی که مدعی نقض حقوق شخصیتشان هستند، با در نظر گرفتن دسترسی جهانی به اینترنت، در دادگاه کشورهایی که نتایج مثبتی برای آن‌ها خواهد داشت، اقامه دعوا می‌نمایند. بنابراین، خواهان معمولاً با انتخاب دادگاه خاص، قانون حاکم بر دعوا را نیز پیش‌بینی می‌کند. در این راستا، خواهان ممکن است در بهترین حالت، به‌منظور به دست آوردن حکم له خود، دادگاه کشورهایی را که ارتباطات ضعیفی با دعوا دارند انتخاب نماید. این چهارچوب‌های قانونی متفاوت، به‌ویژه برای افراد قدرتمند اقتصادی با شهرت جهانی، منجر به انتخاب دادگاه‌های کشورهای خاص می‌شود. علاوه بر آن، یکی دیگر از عواملی که سبب توريسم افترا می‌گردد، عدم وجود قاعده انتشار واحد^{۴۸} است. به‌موجب این قاعده، تاریخ اولین انتشار عمومی یا برای بخشی از عموم مردم، به‌عنوان تاریخ اصلی در نظر گرفته می‌شود و هر بار انتشار مطلب افتراآمیز، سببی برای طرح دعوای جدید در دادگاه‌های دیگر در نظر گرفته نمی‌شود.

47. George D. Watrous, "Newspaper before the Law," *Yale Law Journal* 9, no. 1 (October 1899): 1-16.

48. Single publicatio.

در سال ۱۸۴۹، یک دادگاه انگلیسی قاعده انتشار چندگانه^{۴۹} را ایجاد نمود که بیان می‌کند هر تحویل یک بیانیه افتراآمیز به شخص ثالث، به منزله انتشار جدیدی از افترا است که به نوبه خود، باعث ایجاد یک افترای جدید و سببی برای اقامه دعوا است.^{۵۰} در حقوق انگلیس، تا زمان تصویب قانون افترای ۲۰۱۳، قاعده انتشار چندگانه اعمال می‌شد، اما در حقوق آمریکا، دادگاه‌های این کشور، صرفاً در طول قرن نوزدهم، طبق قاعده انتشار چندگانه رسیدگی می‌کردند.

علاوه بر موارد مذکور، یکی دیگر از قواعد ماهوی که به نفع خواهان افترا می‌باشد، آن است که در حقوق انگلیس، برخلاف حقوق افترا در آمریکا، دفاع «چهره عمومی»^{۵۱} وجود ندارد. این دفاع، به طور اساسی، به خوانندگان دعوای افترا در مقابل اشخاصی که به عنوان چهره عمومی شناخته می‌شوند، مصونیت می‌بخشد و وظیفه متداول اثبات را واژگون می‌سازد. بدون این دفاع، خواهان نباید کذب بودن آن اظهارات را ثابت کند؛ خواننده باید صحت اظهارات خود را به عنوان یک دفاع اثباتی ارائه کند و غالباً اثبات صحت آن اظهارات بسیار دشوار است. اگر دفاع «چهره عمومی» امکان طرح داشته باشد، خواهان باید کذب بودن آن اظهارات را ثابت کند. در زمینه افترا، شخصیت عمومی، به طور کلی، به عنوان فردی تعریف می‌شود که نقش برجسته‌ای در جامعه برعهده گرفته است، یا به طور داوطلبانه یا غیرارادی، خود را در کانون توجه عمومی قرار داده است، مانند یک مقام دولتی یا یک فرد مشهور. شخصیت‌های عمومی، در هنگام طرح ادعای افترا، بار اثبات کذب بودن مطالب مطروحه را دارند. آن‌ها باید اثبات نمایند که متهم هنگام انتشار اظهارات نادرست، با سوءنیت واقعی یا بی‌احتیاطی به حقیقت عمل کرده است. اما یک شخصیت خصوصی، به طور کلی، به هرکسی گفته می‌شود که واجد شرایط به عنوان یک شخصیت عمومی نیست و در کانون توجه عمومی قرار ندارد. یک شخصیت خصوصی فقط باید ثابت کند که متهم هنگام انتشار اظهارات نادرست، با سهل‌انگاری معمولی عمل نموده است.^{۵۲}

49. Multiple publication.

50. Sapna Kumar, "Website libel and the single publication rule," *University of Chicago Law Review* 70, no. 2 (2003): 639.

51. Public figure.

52. Shlomit Ravid Yanisky and Ben Zion Lahav, "Public interest vs. Private lives-affording public figures privacy in the digital era: The three principle filtering model," *University of Pennsylvania Journal of Constitutional Law* 19, no. 5 (2016): 977-978.

۴. دادگاه صالح و قانون حاکم

تعارض دادگاه‌ها که به معنای انتخاب دادگاه صالح از بين دادگاه‌های دو یا چند کشور است، مقدم بر مسئله تعارض قوانین، یعنی تعیین قانون حاکم بر دعوا است.^{۵۳} در سیستم‌های حقوقی ملی، آزادی بیان گاهی با حقوق حریم خصوصی در تضاد است. در اینجا، اختلاف براساس قانون کشوری که دو طرف در آن ساکن هستند، تصمیم‌گیری خواهد شد. با این حال، وضعیت در مواردی که طرفین از کشورهای مختلف هستند بسیار پیچیده‌تر است. در این فرض، اولین سؤال این است که در کدام کشور خواهان می‌تواند دعوای قضایی مطرح نماید. این سؤال به صلاحیت قضایی بین‌المللی مربوط است. در بیشتر موارد، خواهان می‌تواند در کشوری که خوانده در آن ساکن است، اقامه دعوا کند. گاهی اوقات نیز امکان طرح دعوا در کشوری که واقعه مضر در آن رخ داده است وجود دارد. علاوه بر آن، مکانی که واقعه مضر در آن رخ داده است، ممکن است در کشوری باشد که افترا در آن دارای حمایت قانونی بیشتری در مقایسه با حفظ آزادی بیان باشد که این امر ممکن است خواهان را به طرح دعوا در آن کشور ترغیب کند. سؤال دوم در موارد افترای بین‌المللی آن است که کدام قانون باید در این مورد تصمیم بگیرد. این مسئله انتخاب قانون است که توسط قوانین حل تعارض دادگاه رسیدگی‌کننده تعیین می‌شود.

۴-۱. اتحادیه اروپا

مقرره بروکسل^{۵۴} که در خصوص تنظیم قواعد صلاحیت قضایی بین‌المللی و شناسایی و اجرای احکام در امور مدنی و تجاری است، شامل افترا و حقوق حریم خصوصی نیز می‌شود. مطابق با ماده ۶ بروکسل ۱، این مقرره فقط در صورتی اعمال می‌شود که خوانده در یکی از کشورهای عضو مقیم باشد و در صورتی که خوانده در یک کشور غیر عضو مقیم باشد، قانون ملی کشورها در مورد صلاحیت قضایی بین‌المللی اعمال می‌شود. قاعده کلی در مورد صلاحیت قضایی، در بند ۱ ماده ۴ مقرره فوق بیان شده است. مطابق با این ماده، افرادی که در یک کشور عضو اقامت دارند، صرف نظر از تابعیت خود، می‌توانند در دادگاه‌های محل

۵۳. رضا مقصودی، «شروط صلاحیت قضایی در حقوق بین‌الملل خصوصی»، دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری ۱، شماره ۲ (اسفند ۱۳۸۹): ۱۴۴.

54. Regulation (EU) No 1215/2012 of the European Parliament and of the Council of 12 December 2012 on jurisdiction and the recognition and enforcement of judgments in civil and commercial matters (recast).

اقامت خود اقامه دعوا نمایند. اما این قاعده کلی دارای استثنائاتی می‌باشد و در مواردی که محل وقوع حادثه زیان‌بار در یک کشور عضو اتحادیه اروپا باشد، زیان‌دیده می‌تواند علاوه‌بر کشور محل اقامت خود، در آن کشور عضو نیز شکایت نماید. دیوان دادگستری اتحادیه اروپا، مفهوم محل وقوع حادثه زیان‌بار را در دعوای Bier، هم به معنای محل وقوع فعل زیان‌بار^{۵۵} و هم محل وقوع خسارت^{۵۶} تفسیر نمود که این تفسیر مورد انتقاد پروفیسور ویک و مکفرسون^{۵۷} قرار گرفت. به نظر آن‌ها، رویکردی که توسط دیوان اتخاذ شده است و به خواهان امکان انتخاب محل دعوا را می‌دهد، منجر به فروم شاپینگ می‌گردد.^{۵۸} اصول تعیین‌شده فوق در زمینه افترا، در رأی پرونده خانم شویل^{۵۹} به کار گرفته شد. این پرونده مربوط به خانم شویل، دانشجوی انگلیسی بود که به‌طور موقت، در پاریس کار می‌کرد. او نسبت به طرح دعوا در دادگاه‌های انگلیس اقدام و ادعا نمود که توسط روزنامه فرانسوی به نام France-Soir مورد افترا قرار گرفته است. روزنامه مذکور در مقاله‌ای، او را به قاچاق مواد مخدر و پولشویی متهم نموده بود. روزنامه فرانسوی عمدتاً در فرانسه توزیع شده بود و تنها ۲۳۰ نسخه از آن در انگلستان توزیع شده بود و تنها ۵ نسخه در یورکشایر، جایی که خانم شویل در آنجا زندگی می‌کرد، توزیع گردیده بود. روزنامه فرانسوی، درخصوص صلاحیت دادگاه‌های انگلیس، به این دلیل که محل وقوع حادثه زیان‌بار در فرانسه بوده است و در انگلیس خسارتی رخ نداده است، اعتراض نمود.^{۶۰} دیوان دادگستری اتحادیه اروپا حکم نمود که خواهان می‌تواند با دعوای خود را در دادگاه محل ارتکاب افترا (فرانسه) طرح نماید و جبران خسارت‌هایی که در سراسر جهان متحمل شده است را درخواست کند، یا از مزایای اقامه دعوا در محلی که خسارت در آن صورت گرفته است (انگلستان) بهره‌مند شود، اما مجبور است که دعوای خود را به خسارت‌های واقع‌شده در سطح آن محل محدود نماید. این اختیار خواهان اصل موزاییک نامیده می‌شود.^{۶۱} اولین اختیار به معیار Handlungsort مربوط می‌شود که محل وقوع افترای موردنظر است، زیرا «آنجا محلی است که فعل زیان‌بار نشئت گرفته و از آنجا

55. Handlungsort.

56. Erfolgsort.

57. Vick and Macpherson.

58. Douglas W. Vick and Linda Macpherson, "Anglicizing defamation law in the European Union," *Virginia Journal of International Law* 36 (1997): 973.

59. case Shevill.

60. Sandra Sakolciová, "Defamation on Social Media: Challenges of private international law," *Bratislava Law Review* 5, no. 1 (2021): 123-124.

61. mosaic principle.

افترا صورت گرفته و به چرخش درآمده است.» دومین اختیار این بود که براساس Erfolgsort دعوا کند، یعنی محل وقوع خسارت که قربانی در آن مکان فردی شناخته شده می باشد، زیرا آنجا محلی است که «صدمه ناشی از انتشار افترا آمیز به افتخار، شهرت و نام خوب یک شخص حقیقی یا حقوقی اتفاق افتاده است.» بنابراین، دادگاه های هر کشور عضوی که در آن نشریه توهین آمیز توزیع شده است و قربانی ادعا می کند که شهرت وی مورد آسیب قرار گرفته است، صلاحیت دارند تا درباره صدمه ای که در آن کشور به شهرت قربانی وارد شده است، رسیدگی نمایند. براساس این تحلیل، خانم شویل می تواند در فرانسه دعوی خود را ارائه دهد و هرگونه خسارتی را که در سراسر اتحادیه اروپا متحمل شده است درخواست کند، یا می تواند تصمیم بگیرد که دعوی خود را در انگلستان ارائه دهد، اما فقط خسارت هایی را که در انگلستان وارد شده است درخواست کند.^{۶۲} دیدگاه های مختلفی درباره حکم پرونده شویل وجود دارد. از یک سو، برخی این حکم را به نفع خواهان ها می دانند، زیرا به آن ها امکان می دهد تا به صورت استراتژیک محل دادگاه را انتخاب کنند، زیرا دادگاه ها درواقع همیشه می توانند صلاحیت را اعمال کنند تا زمانی که شخص به «هر شکلی» در محل دادگاه مورد نظر آسیب دیده باشد. اگرچه خواهان ممکن است خسارت های محدودی را در مکانی متفاوت از محل وقوع افترا درخواست کند، اما اغلب بی اثر است. این حکم هیچ مانعی برای ادعای توهین آمیز در یک محل که ارتباط حداقلی با ناشر دارد در نظر نگرفته است که این موضوع تأثیری منفی بر آزادی بیان دارد.^{۶۳} از سوی دیگر، محققانی وجود دارند که حکم پرونده شویل را تعادل منصفانه بین منافع ناشر و قربانی افترا می دانند، زیرا ناشر ممکن است با توزیع در یک کشور خاص، دادگاه صلاحیت دار را پیش پینی نماید. این حکم، درمورد افترای منتشره در بستر روزنامه که ابزار نشر سنتی است صادر شد، اما دیوان دادگستری اتحادیه اروپا درمورد افترای که در بستر اینترنت و به صورت آنلاین اتفاق می افتد، در تفسیر مقررات بروکسل ۱، حکم نموده است که خواهان می تواند تمامی خسارات خود را در سطح کشورهای عضو، یا در محلی که ناشر محتوا مستقر است، یا جایی که مرکز منافع مهم^{۶۴} وی در آنجا قرار دارد، مطالبه نماید. همچنین می تواند به جای طرح دعوی مسئولیت مدنی مطالبه کلیه خسارات، در کشورهای عضوی که محتوای آن در دسترس است، اقامه دعوا نماید، لیکن صرفاً خسارت

62. Aaron Warshaw, "Uncertainty from Abroad: Rome II and the Choice of Law for Defamation Claims," *Brooklyn Journal of International Law* 32, no. 1 (2006): 280.

63. Sakolciová, "Defamation on Social Media," 124.

64. Jan-Jaap Kuipers, "Towards a European Approach in the Cross-Border Infringement of Personality Rights," *German Law Journal* 12, no. 8 (2015): 15.

وارده در آن کشور را مطالبه نماید. به موجب این حکم، یک حوزه قضایی دیگر که خواهان می‌تواند کلیه خسارات را مطالبه نماید، یعنی «مرکز منافع مهم» اضافه شده است.^{۶۵} دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در تعریف معیار «مرکز منافع مهم»، آن را عموماً با محل سکونت خواهان یکی دانسته است، مگر اینکه مرکز منافع وی در کشور عضو دیگری باشد که در آنجا سکونت ندارد که در این صورت، در تشخیص مرکز منافع مهم، مواردی مانند پیگیری یک فعالیت حرفه‌ای در کشور دیگر، لحاظ می‌شود. به عقیده برخی، این تعریف مبهم است و برخلاف آزادی بیان ناشران و مطبوعات می‌باشد.^{۶۶} همان‌طور که مشخص است، دیوان دادگستری اتحادیه اروپا، درخصوص افترای آنالین، یک معیار ویژه را بیان نموده است که به نظر برخی منجر به فروم شاپینگ می‌شود؛ موضوعی که دیوان همیشه آن را منافی با مقررۀ بروکسل ۱ تلقی نموده است.^{۶۷}

در صورتی که حکم از یک کشور عضو صادر شده باشد، تحت شمول مقررۀ بروکسل ۱ درمورد شناسایی و اجرای احکام خارجی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، در اتحادیه اروپا، قانون ملی برای شناسایی و اجرای احکام درمورد احکام صادره از کشورهای غیر عضو اعمال می‌شود. درخصوص انتخاب قانون، مقررۀ رم ۶۸ اتحادیه اروپا، درمورد انتخاب قانون برای تعهدات غیر قراردادی می‌باشد، اما به دلیل طبیعت مورد اختلاف افترا، درخصوص افترا و حقوق حریم خصوصی اعمال نمی‌شود. بخش g بند ۲ ماده ۱ به صراحت بیان نموده است که تعهدات غیر قراردادی ناشی از نقض حریم خصوصی و حقوق شخصیت از جمله افترا، از شمول آن مستثنا است. در نتیجه، هر کشور عضو می‌تواند قواعد حل تعارض خود را درمورد افترا اعمال نماید.^{۶۹} با وجود این، مطابق با ماده ۳۰ مقررۀ رم ۲، مقرر شده بود که کمیسیون اتحادیه اروپا، تا پایان سال ۲۰۰۸، نسبت به مطالعه قانون حاکم بر نقش حقوق مربوط به شخصیت و حریم خصوصی تحقیق نماید که بر این اساس، کمیسیون یک مطالعه تطبیقی از ۲۷ کشور عضو، در رابطه با قانون قابل اعمال بر نقض حقوق مربوط به شخصیت انجام داد.

65. Bernd Justin Jütte, "AG Bobek suggests limiting jurisdiction for online defamation of legal and natural persons," *EUROPEAN LAW BLOG* (August 2017): 8.

66. Mills, "The law applicable," 19.

67. Kuipers, "Towards a European Approach," 17.

68. Regulation (EU) No 1215/2012 of the European Parliament and of the Council of 12 December 2012 on jurisdiction and the recognition and enforcement of judgments in civil and commercial matters (recast).

69. Nielsen, "Choice of Law for Defamation," 32-42.

این گزارش نشان می‌دهد که اکثر کشورهای عضو قواعد تعارض قوانین عمومی را درخصوص افترا اجرا می‌نمایند و صرفاً پنج کشور عضو اتحادیه اروپا نسبت به افترا، قاعده حل تعارض ویژه‌ای را تصویب نموده‌اند و بیشترین معیار مورد استفاده قاعده قانون محل ارتکاب جرم یا شبه جرم^{۷۰} است که دادگاه‌های کشورهای عضو تفسیر واحدی از آن ندارند.^{۷۱}

۲-۴. حقوق انگلیس

در انگلستان، قانون حاکم در رابطه با مسئولیت مدنی، در قانون حقوق بین‌الملل خصوصی (مقررات متفرقه) ۱۹۹۵ بیان شده است و قاعده حل تعارض، قانون محل وقوع فعل زیان‌بار است. با وجود این، افترا مشمول آن نیست و از آنجایی که در مقررۀ رم ۲ اتحادیه اروپا نیز افترا استثنا شده است، در نتیجه قواعد کامن‌لا اجرا می‌شود و در صورتی عمل ارتكابی در خارج، در انگلستان قابل تعقیب است که آن رفتار در قانون انگلیس نیز موجب مسئولیت باشد. این معیار، قاعده «تعقیب مضاعف»^{۷۲} نامیده می‌شود. برخی از حقوق‌دانان این قاعده را با عنوان قاعده «تجانس و همانندی» به کار برده‌اند. این قاعده، برای اولین بار، در دعوای آیری مقابل فیلیپس،^{۷۳} در سال ۱۸۷۰ پذیرفته شد.^{۷۴} مطابق با این قاعده که بسیار به نفع خواننده دعوای مسئولیت مدنی است، عمل ارتكابی در خارج از انگلیس، در صورتی قابل طرح در دادگاه‌های انگلیس است که مطابق با قانون انگلیس و قانون محل وقوع فعل زیان‌بار، نامشروع و موجب مسئولیت مدنی باشد. با توجه به قاعده انتشار چندگانه، حتی با یک انتشار در انگلیس نیز معیار تعقیب مضاعف اعمال می‌شود، زیرا مطابق با قاعده انتشار چندگانه، حتی یک انتشار در انگلیس گویای ارتكاب افترا در انگلستان است. با توجه به آنچه بیان شد، دادگاه‌های انگلیس به راحتی می‌توانند در دعوای افترای بین‌المللی، مطابق با قانون انگلیس یا بروکسل ۱ صلاحیت داشته باشند، زیرا یا خواهان مقیم یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا است که در این صورت، مطابق با مقررات بروکسل ۱ صلاحیت دارند و یا خواهان مقیم کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیست که در این خصوص، مطابق با حقوق انگلیس، دادگاه‌های این کشور، به صرف حتی یک انتشار، صلاحیت خود را شناسایی می‌نمایند، حتی

70. lex loci delicti commissi.

71. European Commission, 2009, pp.5-6.

72. the rule of double actionability.

73. case Phillips v Eyre.

۷۴. جمال صالحی ذهابی، «مسئولیت مدنی و قانون حاکم بر آن در تعارض قوانین»، پژوهشنامه بیمه، شماره ۶۷ (پاییز ۱۳۸۱): ۱۰۱.

اگر عمده انتشار محتوای افتراآمیز در کشورهای دیگر اتفاق افتاده باشد؛ مانند آنچه در دعوای *Ehrenfeld v. Bin Mahfouz* اتفاق افتاد. تنها مانعی که درخصوص صلاحیت دادگاه‌های انگلیس مطابق با قانون انگلیس وجود دارد، دکترین دادگاه نامناسب^{۷۵} است که دادگاه‌های انگلیسی تمایلی به در نظر گرفتن آن در رسیدگی‌های خویش ندارند و قواعد حل تعارض انگلیس را اعمال خواهند کرد و در اکثر موارد، قانون انگلیس را به عنوان قانون حاکم بر مورد افترا تعیین می‌نمایند، زیرا مقررۀ رم ۲ برای افترا اعمال نمی‌شود. همان‌طور که قبلاً بیان شد، قانون افترای انگلیس بسیار موافق حقوق قربانی افترا است و زیان‌دیده تنها باید ثابت کند که متخلف اظهارات افتراآمیزی درباره او منتشر کرده است. زیان‌دیده نیازی به اثبات این ندارد که اظهارات غلط است یا متهم عمداً رفتار نموده است. علاوه‌براین، خسارات و هزینه‌های مربوط به دادرسی قانون انگلیس، نسبت به استانداردهای بین‌المللی مبلغ بالاتری است.^{۷۶} جملگی موارد مذکور سبب شده است که افراد ثروتمند و مشهور، از چهار گوشۀ جهان به انگلستان می‌آیند تا دعوای افترا را طرح نمایند. علاوه‌برآن، احکام محکومیت صادره از دادگاه‌های انگلیس در دعوای افترای آزادی بیان، در دیگر کشورها، به‌ویژه در اتحادیه اروپا مؤثر است، زیرا سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا، به‌طور کلی، ملزم به تشخیص و اجرای حکم‌های بریتانیا هستند. به‌منظور جلوگیری از توریسم افترا و دستیابی به قاعده حل تعارض عادلانه، دکتر هارتلی^{۷۷} قاعده حل تعارض جدیدی را پیشنهاد داده است. به عقیده وی، قانون قابل اجرا باید قانون کشوری باشد که ارتکاب افترا، «بیشترین ارتباط» را با آن دارد.^{۷۸} اما باید گفت این معیار دادگاه‌ها را وسوسه می‌نماید که قانون مقرر دادگاه^{۷۹} را اعمال نمایند و در نتیجه، مانند امروز توریسم افترا وجود خواهد داشت. به‌دلیل مشکلات فوق، در سال ۲۰۱۲، وزارت دادگستری بریتانیا^{۸۰} یک لایحه جدید درخصوص افترا پیشنهاد نمود. هدف این لایحه اصلاح قانون افترا، به‌منظور ایجاد تعادل منصفانه بین حق آزادی بیان و حفاظت از شهرت و مقابله با گردشگری افترا می‌باشد. در تاریخ ۲۵ آوریل ۲۰۱۳، این لایحه به‌عنوان قانون افترا ۲۰۱۳ تصویب شد. این قانون تغییرات مهمی را در قانون افترا ایجاد نموده است. مهم‌ترین تحولات ایجادشده در این قانون شامل پیش‌بینی دفاعیات جدیدی برای خوانده افترا

75. Forum non convenien.

76. Hartley, "libel tourism" and conflict of laws," 26.

77. Hartley.

78. Hartley, "libel tourism" and conflict of laws," 35.

79. Lex fori.

80. United Kingdom Ministry of Justice.

بررسی مفهوم توريسم افترا در حقوق بين الملل خصوصى / مقصودى پاشاكي و خسروى ۱۷۳

مانند دفاع مربوط به عمومى بودن موضوع افترا، پذيرش قاعده انتشار واحد و اضافه نمودن شرط خسارت جدى^{۸۱} براى اقامه دعواى افترا توسط خواهان مى باشد.^{۸۲}

به طورکلى، قانون افترا ۲۰۱۳ جذابيت طرح دعوا در انگليس را کمتر نموده است، ليکن نمى توان گفت که آن را از بين برده است و همچنان انگليس مى تواند محلى مناسب از نظر خواهان افترا قلمداد شود.^{۸۳}

۳-۴. حقوق آمريکا

درخصوص وضعيت نظام حقوقى آمريکا، بايد گفت قبل از حکم دادگاه عالى ايالات متحده در دعواى New York times v sullivan، قانون افترا در آمريکا، بى شبايهت با قانون افتراى انگليس نبود.^{۸۴} در اين پرونده، دادگاه عالى ايالات متحده آمريکا، در دعواى افتراى يک مقام دولتى عليه يک رسانه، حکم نمود که مقام دولتى بايد سوء نيت واقعى رسانه را اثبات نمايد و در غير اين صورت، دعواى وي نتيجه نخواهد داد. دادگاه عالى ايالات متحده آمريکا، در تصميمات بعدى، دامنه حکم مذکور را علاوه بر مقامات دولتى، به چهره هاى عمومى اجبارى^{۸۵} (يعنى افرادى که فقط به دليل اتفاقات خبرى براى آنها مورد توجه قرار گرفته اند) و حتى شخصيت هاى خصوصى^{۸۶} درخصوص موضوعاتى که به نگرانى هاى عمومى مربوط مى شود، گسترش داده است. در غير موارد فوق، اشخاص خصوصى بايد حداقل سهل انگارى خوانده را اثبات نمايند.^{۸۷} قاعده آزادى بيان که در زمره حقوق اساسى افراد در آمريکا است، در اين پرونده به اجرا در آمد و سبب تفاوت بين حقوق آمريکا و کامن لا گرديد. حقوق ايالات متحده آمريکا، برخلاف حقوق انگليس، در ايجاد تعادل بين حق حريم خصوصى و آزادى بيان، اولويت را به حق آزادى بيان داده است. در آمريکا، تقريباً فضاي نامحدودى از آزادى براى اظهار نظر و انتقاد به رسانه ها اختصاص داده شده است. از اين رو، رسانه در انتشار خبر تنها در حالتى که با آگاهى از نادرستى آن يا سهل انگارى سنگين به صحت آن خبر اقدام

81. The Substantial Harm Clause.

82. Alastair Mullis, and Andrew Scott, "Tilting at Windmills: the Defamation Act 2013," *Modern Law Review* 77, no. 1 (2013): 98.

83. Nielsen, "Choice of Law for Defamation," 34.

84. Rolph, "Splendid Isolation," 83.

85. Forced public figure.

86. Private figures.

87. Rolph, "Splendid Isolation," 83.

نماید، مسئولیت خواهد داشت. به منظور حفظ آزادی بیان، بار سنگین اثبات با خواهان می‌باشد.^{۸۸} علاوه بر این، در حقوق آمریکا، قانون انتشار یگانه پذیرفته شده است، به طوری که تاریخ اولین نشر عمومی یا جزئی برای عموم مردم، به عنوان تاریخ اصلی در نظر گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، هر منتشر شدن مطلب مورد اختلاف، در هر دادگاه در سراسر جهان، علتی برای دعوای جدید نخواهد بود. اما در حقوق انگلیس، تا زمان تنظیم قانون افترا ۲۰۱۳، قانون انتشار چندگانه اعمال می‌گردید، به طوری که منتشرکننده با تهدید اقامه دعوای افترا بعد از مدت زمان زیادی مواجه بود. به همین دلیل است که خواهان‌ها دعوای افترای خود نسبت به ناشران و اشخاص مقیم در آمریکا را در دادگاه‌های انگلیس مطرح می‌نمایند. ایالات متحده، برای مقابله با پدیده تورسم افترا، اقدامات قانونی انجام داده است که نقطه شروع این اقدامات بعد از صدور حکم دعوای Ehrenfeld v. Bin Mahfouz بوده است. از نفلد به منظور جلوگیری از اجرای حکم دادگاه انگلیسی در نیویورک، اقداماتی سیاسی و قانونی انجام داد که منجر به تصویب قانون حفاظت در مقابل تورسم افترا توسط قانون‌گذار نیویورک، در سال ۲۰۰۸ گردید و متعاقباً این اقدام در ایالت‌های مشابه نیز اتفاق افتاد. سرانجام در سطح فدرال نیز در سال ۲۰۱۰، قانون SPEECH مصوب شد که در خصوص اجرای احکام افترای خارجی مقرر نموده است که حکم هیچ دادگاه خارجی در خصوص افترا اجرا نخواهد شد، مگر آنکه قانون افترای اعمال شده توسط دادگاه خارجی، حداقل به همان اندازه از آزادی بیان حمایت کند که در متمم اول قانون اساسی آمریکا از آزادی بیان حمایت شده است.^{۸۹} باین حال، از متن قانون فوق، به طور واضح قابل درک نیست که آیا اختلاف جزئی با قانون اساسی آمریکا می‌تواند منجر به عدم اجرای حکم شود یا خیر.^{۹۰} در خصوص تأثیر ابتکارات قانونی مذکور بر تورسم افترا، می‌توان گفت نه آن را از بین می‌برد و نه محدود می‌نماید، زیرا این ابتکارات مربوط به پس از صدور حکم و شناسایی و اجرای آن می‌باشد، لیکن همچنان دادگاه‌های انگلیسی خود را صالح می‌دانند و قواعد حل تعارض خود را اعمال می‌نمایند.^{۹۱}

88. TEKİN, "LIBEL TOURISM," 391.

89. Emily C. Barbour, "Speech Act: The Federal Response to "Libel Tourism"," *Congressional Research Service (CRS) Report for Congress* (2010): 10-11.

90. Andrew R. Klein, "Some Thoughts on Libel Tourism," *Pepperdine Law Review* 38, no. 2 (2010): 389.

91. Nielsen, "Choice of Law for Defamation," 36.

۵. وضعیت حقوق ایران

با توجه به آنچه بیان شد، فروم شاپینگ و توريسم افترا در مواردی است که خواهان حق انتخاب بين چند دادگاه ذی صلاح را جهت اقامه دعوا، به طور هم زمان دارد، با این تفاوت که فروم شاپینگ می تواند شامل طیف گسترده ای از دعاوی و اختلافات باشد، اما توريسم افترا منحصر به دعاوی افترا است. در مورد تحقق فروم شاپینگ در دعاوی داخلی، می توان گفت در مواردی که خواهان حق انتخاب بين چند دادگاه را به طور هم زمان دارد، فروم شاپینگ امکان تحقق دارد. به طور مثال، مطابق با مواد ۱۱ و ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی، خواهان در اختلافات قراردادی می تواند در دادگاه محل انعقاد قرارداد، محل اجرای تعهد و محل اقامت خوانده، اقامه دعوا نماید. مثال دیگر در حقوق داخلی ماده ۱۱ قانون حمایت از خانواده است که وفق آن، زوجه می تواند در دعاوی خانوادگی، به جز مطالبه مهریه غیر منقول، در دادگاه های خانواده محل سکونت خویش، محل انعقاد نکاح و یا محل اقامت زوج اقامه دعوا نماید. در مورد دعاوی بين المللی، از آنجایی که در حقوق ایران قواعد مجزایی برای صلاحیت بين المللی پیش بینی نشده است، همان قواعد صلاحیت داخلی در دعاوی فراملی نیز مورد استفاده قرار می گیرد.^{۹۲} در این راستا، قانون گذار در ماده ۹۷۱ قانون مدنی بیان نموده است: «دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجعه به اصول محاکمات، تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه می شود. مطرح بودن همان دعوا در محکمه اجنبی، رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود.» بنا به حکم قانونی مذکور، دادگاه های ایران در تعیین دادگاه صالح، در دعاوی بين المللی، مطابق با قانون ایران تصمیم گیری می نمایند، فلذا در دعاوی افترا فراملی نیز مطابق با حقوق ایران، دادگاه صالح تعیین خواهد شد و برخلاف حقوق انگلیس، توری دادگاه نامناسب مورد توجه دادگاه ایران قرار نخواهد گرفت. مراجع قضایی ایران، در صورت داشتن صلاحیت، حتی اگر دعاوی ارتباطی به دولت و جامعه ایرانی نداشته باشد، مکلف به رسیدگی هستند و نمی توانند از رسیدگی خودداری نمایند، وگرنه مستنکف از احقاق حق شناخته خواهند شد.^{۹۳} بنا به مراتب فوق و با نگاهی به قواعد صلاحیت داخلی، در حقوق ایران نیز به مانند سایر نظام های حقوقی، اصل بر صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده است. مطابق ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور مدنی)

۹۲. همایون مافی، و رشید ادبی فیروزجایی، «صلاحیت دادگاه های ایران در قلمرو حقوق بين الملل خصوصى»، فصلنامه علمی - پژوهشی دانش حقوق مدنی، ۳، شماره ۲ (اسفند ۱۳۹۳): ۵۸.

۹۳. رضا مقصودی، «دکترین دادگاه نامناسب در حقوق بين الملل خصوصى»، دوفصلنامه حقوق تطبیقی، ۰، شماره ۲۳ (۱۳۹۱): ۱۹.

مصوب سال ۱۳۷۹: «دعوا باید در دادگاهی اقامه شود که خواننده، در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد و اگر خواننده در ایران اقامتگاه نداشته باشد، در صورتی که در ایران محل سکونت موقت داشته باشد، در دادگاه همان محل باید اقامه گردد و هرگاه در ایران اقامتگاه و یا محل سکونت موقت نداشته ولی مال غیرمنقول داشته باشد، دعوا در دادگاهی اقامه می‌شود که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است و هرگاه مال غیرمنقول هم نداشته باشد، خواهان در دادگاه محل اقامتگاه خود، اقامه دعوا خواهد کرد.» هرچند صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده در راستای اصل برائت خواننده است و از این حیث مطلوب است، لیکن در مواردی که خواننده مقیم ایران نمی‌باشد و فروض دیگر مقرر در ماده مذکور، یعنی صلاحیت دادگاه محل سکونت موقت او در ایران، داشتن مال غیرمنقول در ایران و درنهایت، در صورت فقدان موارد یادشده، اعطای اختیار به خواهان ایرانی برای طرح دعوا در دادگاه‌های ایران، قابل اجرا می‌باشد، می‌توان گفت چنین ضوابط صلاحیتی می‌تواند موجب تحقق توریسیم افترا در حقوق ایران گردد؛ زیرا همان‌گونه که بیان شد، در پدیده توریسیم افترا، دادگاه محل رسیدگی در مقایسه با دیگر دادگاه‌های ذی‌صلاح، ارتباط ناچیزی با دعوا و طرفین آن دارد. کافی دانستن سکونت موقت خواننده در ایران، فاقد میزان کافی از ثبات و پایداری است و در هر زمانی خواننده می‌تواند محل سکونت خود را تغییر دهد. به نظر می‌رسد، وجود همین ایرادات شرایط مناسبی را برای پدیده توریسیم افترا به وجود آورد، چنان‌که این اختیار را به خواهان می‌دهد تا به محض اطلاع از سکونت موقت خواننده در ایران، با وجود ارتباط کم این محل نسبت به دعوا، طرح شکایت کند. درخصوص ضابطه صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول متعلق به خواننده نیز مشکل ارتباط ناکافی بین دعوا و دادگاه و فقدان ارتباط پایدار وجود دارد. درنهایت، در صورتی که خواننده دعوی افترا هیچ‌گونه ارتباطی با کشور ایران نداشته باشد، ضابطه صلاحیت محل اقامت خواهان بسیار مطلوب او و بستر تحقق پدیده توریسیم افترا در دعاوی بین‌المللی‌ای که احتمال غیرایرانی بودن خواننده زیاد است، فراهم می‌نماید؛ زیرا خواهان ایرانی می‌تواند به صرف وجود محل اقامت خود در ایران، در این کشور اقامه دعوا کند. البته لازم به ذکر است که مساعد بودن قوانین شکلی ایران برای خواهان افترا، در صورتی موجب طرح دعوا در ایران می‌شود که قانون ماهوی افترا در نظام حقوقی ایران، در مقایسه با قوانین دادگاه‌های دیگر کشورهای ذی‌صلاح، مساعد به حال خواهان مذکور باشد که این مهم با توجه به هر دعوا و طرفین آن قابل تشخیص بوده و امری متغیر است.

درمورد شناسایی و اجرای احکام خارجی افترا در حقوق ایران، باید گفت مطابق با

ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی، در تنفیذ و اجرای حکم صادره از دادگاه خارجی، مراجع قضایی ایران به ارتباط متعارف یا فقدان آن بین دادگاه صادرکننده حکم با افترا و طرفین آن توجه نمی نمایند، مگر آنکه مطابق با بند ۶ ماده ۱۶۹ قانون فوق، تشخیص دهند دعوا در صلاحیت اختصاصی دادگاه ایران است. بنابراین می توان گفت، هرچند در حقوق ایران مطابق با اصل ۴۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل منع سوء استفاده از حق پذیرفته شده است، اما این موضوع صرفاً زمانی که دعوا در صلاحیت دادگاه ایران باشد، مورد توجه قرار می گیرد و در صورتی که دادگاه مناسب ثالثی وجود داشته باشد، مراجع قضایی ایران، در صورت وجود شرایط قانونی دیگر، نسبت به تنفیذ و اجرای حکم مذکور اقدام می نمایند، هرچند بین دادگاه صادرکننده حکم و دعوای افترا و طرفین آن ارتباط ناچیزی وجود داشته باشد.

۶. یافته های پژوهش

بنا به آنچه بیان شد نتایج زیر حاصل گردید:

۱- توریسم افترا مصداقی خاص از سوء استفاده خواهان از حق انتخاب دادگاه (forum shopping) است که در دسته ارتباط مسئولیت مدنی واقع می شود و با هدف کسب منافع صورت می گیرد که در دادگاه اصولاً صلاحیت دار قابلیت مطالبه ندارد.

۲- پدیده توریسم افترا از ماهیت ناقص سیستم های حقوقی نشئت می گیرد. مادام که دنیا به کشورهای مختلف با منافع متضاد و سیستم های حقوقی متفاوت تقسیم می شود، مسئله انتخاب دادگاه صلاحیت دار می تواند مسئله مرگ و زندگی باشد و تأثیر قاطعی بر نتیجه دعوا داشته باشد.

۳- هیچ کنوانسیون جهان شمولی در رابطه با قاعده حل تعارض یا تعارض دادگاه در خصوص نقض حقوق مربوط به شخصیت از جمله افترا وجود ندارد و تنها در سطح منطقه ای، در اتحادیه اروپا و آن هم صرفاً در مقررات بروکسل ۱، در خصوص تنظیم قواعد صلاحیت قضایی بین المللی و شناسایی و اجرای احکام در امور مدنی و تجاری، در صورتی که خوانده در کشورهای عضو مقیم باشد، قاعده واحدی پیش بینی شده است.

۴- به دلیل انتقادات از توریسم افترا، انگلستان اقدام به اصلاح قانون افترای خویش نمود و قانون افترا ۲۰۱۳ را تصویب نمود که هرچند دارای اصلاحات مهمی نظیر در نظر گرفتن قاعده انتشار واحد و اضافه نمودن شرط جدیدی تحت عنوان خسارت جدی، برای اقامه

دعوی افترا توسط خواهان می‌باشد، اما می‌توان گفت همچنان انگلیس می‌تواند برای طرح دعوی افترا، برای خواهان مطلوب باشد.

۵- تقابل ایالات متحده آمریکا و انگلیس، در دعوی Ehrenfeld v. Bin Mahfouz آشکار گردید که منجر به اقدامات قانونی، ابتدا در سطح ایالات و نهایتاً در سطح فدرال، برای مقابله با تورسم افترا گردید. در سطح فدرال، قانون SPEECH در سال ۲۰۱۰ تصویب شد که اقدامی تهاجمی برای مقابله با تورسم افترا می‌باشد و دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا، در صورتی که دادگاه صادرکننده حکم افترا به اندازه متعمد اول قانونی اساسی آمریکا برای آزادی بیان تضمین قائل نشده باشد، از شناسایی و اجرای حکم افترا امتناع خواهند نمود، بدون آنکه حقانیت یا عدم حقانیت متقاضی شناسایی و اجرای حکم مدنظر قرار گیرد.

۶- در مورد امکان تحقق فروم شاپینگ و تورسم افترا در حقوق ایران، باید گفت با توجه به اینکه قواعد جداگانه‌ای برای صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها پیش‌بینی نشده است، مطابق با ماده ۹۷۱ قانون مدنی، دادگاه‌های ایران در تشخیص صلاحیت خویش، مطابق با قواعد حقوق داخلی اقدام می‌نمایند. در حقوق ایران مانند سایر کشورها، اصل بر صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده می‌باشد. مطابق مفاد ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب سال ۱۳۷۹، در مواردی که خوانده مقیم ایران نیست و فروض دیگر مقرر در ماده مذکور ضابطه صلاحیت دادگاه است، می‌توان گفت چنین ضوابط صلاحیتی می‌تواند موجب تحقق تورسم افترا در حقوق ایران گردد، زیرا کافی دانستن سکونت موقت خوانده و یا داشتن مال غیرمنقول در ایران برای احراز صلاحیت دادگاه ایران، فاقد میزان کافی از ثبات و پایداری است. در نهایت، در صورتی که خوانده دعوی افترا هیچ‌گونه ارتباطی با کشور ایران نداشته باشد، ضابطه صلاحیت محل اقامت خواهان بسیار مطلوب اوست و بستر تحقق پدیده تورسم افترا را در دعاوی بین‌المللی‌ای که احتمال غیرایرانی بودن خوانده زیاد است، فراهم می‌نماید، زیرا خواهان ایرانی می‌تواند به صرف وجود محل اقامت خود در ایران، اقامه دعوا کند.

سیاهه منابع

الف- منابع فارسی:

شرقی، مرضیه، و پرویز عامری. «مسئولیت مدنی ناشی از افترا در نظام حقوقی کامن‌لا با رویکرد تطبیقی در حقوق ایران»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی ۲۳ (تابستان ۱۳۹۸): ۷۹-۵۸.

صالحی ذهابی، جمال. «مسئولیت مدنی و قانون حاکم بر آن در تعارض قوانین»، پژوهشنامه بیمه، شماره ۶۷ (پاییز ۱۳۸۱): ۱۰۱-۱۳۰.

صفایی معافی، سید حسین، رضا مقصودی، و رضا دریایی. «ارائه قاعده صلاحیت بین‌المللی مطلوب برای جلوگیری از پدیده «توریسم هتک حیثیت» با مطالعه تطبیقی حقوق ایران و انگلستان»، پژوهشنامه حقوق تطبیقی، آماده انتشار. <https://doi.org/10.22080/lps.2024.23887.1598>

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب سال ۱۳۷۹.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

قانون مدنی.

مافی، همایون، و رشید ادبی فیروزجایی. «صلاحیت دادگاه‌های ایران در قلمرو حقوق بین‌الملل خصوصی»، فصلنامه علمی-پژوهشی دانش حقوق مدنی ۳، شماره ۲ (اسفند ۱۳۹۳): ۶۳-۴۸.

مقصودی، رضا. «دکترین دادگاه نامناسب در حقوق بین‌الملل خصوصی»، دوفصلنامه حقوق تطبیقی ۰، شماره ۲۳ (۱۳۹۱): ۲۴-۳.

مقصودی، رضا. «سوءاستفاده از حق در حقوق بین‌الملل خصوصی»، پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۱۲ (مهرماه ۱۳۹۴): ۸۷-۱۰۷.

مقصودی، رضا. «شروط صلاحیت قضایی در حقوق بین‌الملل خصوصی»، دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری ۱، شماره ۲ (اسفند ۱۳۸۹): ۱۴۳-۱۶۳.

ب- منابع لاتین:

Barbour, Emily C. "Speech Act: The Federal Response to "Libel Tourism".
Congressional Research Service (CRS) Report for Congress (2010): 1-15.

Bogdańska, Olga. "Libel tourism in the context of press freedom." *Annales Universitatis Mariae Curie-Skłodowska, sectio K-Politologia* 22, no. 1 (2016): 195-212.

Carrascosa González, Javier. *The Internet: Privacy and Rights Relating to Personality*. Netherlands :Martinus Nijhoff, 2016.

- E, Klazmer. "The uncertainties of libeltourism, is diplomacy the answer?" *Entertainment Law Review* 23, no. 6 (2012): 160-175.
- European Commission, 2009.
- Hartley, Trevor C. "libel tourism' and conflict of laws." *International and ComparativeLawQuarterly* 59, no. 1 (January 2010): 25-38.
- Jütte, Bernd Justin. "AG Bobek suggests limiting jurisdiction for online defamation of legal and natural persons." *EUROPEAN LAW BLOG* (August 2017): 1-10.
- Klein, Andrew R. "SomeThoughts on LibelTourism." *PepperdineLaw Review* 38, no. 2 (2010): 375-391.
- Kramberger, Škerl Jerca. "Jurisdiction in On-Line Defamation and Violations of Privacy: In Search of a Right Balance." *LeXonomica* 9, no. 2 (2017): 87-108.
- Kuipers, Jan-Jaap. "Towards a European Approach in the Cross-Border Infringement of Personality Rights." *German Law Journal* 12, no. 8, (2015): 1-26.
- Martin, Elizabeth a. *Oxford Dictionary of Law Oxford*. England :Oxford University Press, 2011.
- McFarland, Robert L. "Please Do Not Publish this Article in England: A Jurisdictional Response to Libel Tourism, Mississippi Law Journal, Forthcoming." *Mississippi Law Journal* 79 (2009): 1-43.
- Mills, Alex. "The law applicable to cross-border defamation on social media: whose law governs free speech in 'Facebookistan?'" *The Journal of Media Law* 7, no. 1 (2015): 1-35. <https://doi.org/10.1080/17577632.2015.1055942>.
- Mullis Alastair, and Andrew Scott, "Tilting at Windmills: the Defamation Act 2013 ". *Modern Law Review* 77, no. 1 (2013): 87-109. doi: <https://10.1111/1468-2230.12057>.
- Nielsen, Peter Arnt. "Choice of Law for Defamation, Privacy Rights and Freedom of Speech." *Oslo Law Review* 6, no. 1 (May 2019): 32-42. <https://doi.org/10.18261/issn.2387-3299-2019-01-06>.
- Nilsson, Axel. "Personality rights, defamation and the internet." *Considerations of private international law* (2017): 1-75.
- Regulation (EU) No 1215/2012 of the European Parliament and of the Council of 12 December 2012 on jurisdiction and the recognition and enforcement of judgments in civil and commercial matters (recast).
- Rendleman, Doug. "Collecting A Libel Tourist's Defamation Judgment." *Washington and Lee LawReview* 67 (2010): 466-487.
- Rolph, David. "Splendid Isolation: Australia as a Destination for LibelTourism." *Australian InternationalLawJournal* 19 (January 2012): 79-95.

- Sakolciová, Sandra. "Defamation on Social Media: Challenges of private international law." *Bratislava LawReview* 5, no. 1 (2021): 121-134.
- Sanchez, Thomas. "London, Libel Capital No Longer? The Draft Defamation Act 2011 and the Future of LibelTourism." *University of New Hampshire Law Review* 9, no. 3 (2011): 468-521.
- Sapna, Kumar. "Website libel and the single publication rule." *University of ChicagoLawReview* 70, no. 2 (2003): 639-662.
- SmithdeBruin, Michelle. "Ignity Knows No Bounds –Transnational Defamationactions." *Irishjudicial Studies Journal* 6, no. 2 (2022): 14-29.
- Stewart, Daxton R. *Social Media and the Law: A Guidebook for Communication Students and Professionals*. New yourk: Routledge, 2022.
- Svantesson, Dan Jerker B. *Private International Law and the Internet*. Netherlands: Kluwer Law International, 2016.
- TEKİN, Esra. "LIBEL TOURISM IN PRIVATE INTERNATIONAL LAW." *Inonu University Law Review* 13, no. 2 (2022): 390-404.
- Vick, Douglas W., and Linda Macpherson. "Anglicizing defamation law in the European Union." *Virginia Journal of International Law* 36 (1997): 933-999.
- Vische, Frank. "General Course on Private International Law." *In Collected Courses of the Hague Academy of International Law* 232 (1993): 224-240.
- Warshaw, Aaron. "Uncertainty from Abroad: Rome II and the Choice of Law for Defamation Claims." *Brooklyn Journal of International Law* 32, no.1 (2006): 268-309.
- Watrous, George D. "Newspaper before the Law." *YaleLawJournal* 9, no. 1 (October 1899): 1-16.
- Whytock, Christopher A. "The Evolving ForumShopping System." *Cornell Law Review* 96 (10 March 2011): 480-534. <https://ssrn.com/abstract=1596280>.
- Yanisky, Shlomit Ravid, and Ben Zion Lahav. "Public interest vs. Private lives-affording public figures privacy in the digital era: The three principle filteringmodel." *UniversityofPennsylvaniaJournalofConstitutionalLaw* 19, no. 5 (2016): 977-1014.